

نقش حکمرانی مطلوب در مقابله با تحریم‌ها و جنگ اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران

نوع مقاله: پژوهشی

مهدی کاظمی^۱

محمد یوسفی جویباری^۲

احسان شاکری خوئی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶

چکیده

تحریم‌ها، به عنوان یکی از ابزارها و مکانیزم‌هایی است که از سوی دولت‌ها جهت تأمین منافع ملی و تحدید قدرت سایر دولت‌ها بکار گرفته می‌شود. پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران همواره با طیف وسیعی از تحریم‌های همه جانبه از سوی قدرت‌های بزرگ جهانی مواجه بوده است. این پژوهش تلاش می‌کند تا نقش حکمرانی مطلوب در مقابله با تحریم‌ها و کارزار جنگ اقتصادی بر علیه جمهوری اسلامی ایران را مورد ارزیابی و تحلیل قرار دهد. سؤال اصلی این پژوهش عبارتست از اینکه «نقش حکمرانی مطلوب در مقابله با تحریم‌ها و جنگ اقتصادی بر علیه جمهوری اسلامی ایران چگونه مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد؟» پاسخی که می‌توان به این سوال داد اینست حکمرانی مطلوب با توجه به رویکرد تحول‌گرا در حکمرانی می‌توان نقش حکمرانی مطلوب را در مقابله با تحریم‌ها و جنگ اقتصادی بر علیه جمهوری اسلامی ایران مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که با توجه به نتایج ضعیف استراتژی توسعه کشور در سال‌های گذشته، کاربست یک رویکرد تحول‌گرا در حکمرانی به منظور تحدید قدرت اقتصادی نهادهای سیاسی، بهبود شفافیت و پاسخگویی و ایجاد بسترهای تشکیل یک جامعه مدنی قوی ضروری است. تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و کتب و مقالات تولید شده به نقش حکمرانی مطلوب در مقابله با تحریم‌ها و جنگ اقتصادی بپردازد.

^۱ دانشجوی دکترای علوم سیاسی - سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران - تبریز.

Mehdi.kazemi66@gmail.com

^۲ دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران - تبریز. (نویسنده مسئول)

yousefijouybari@iaut.ac.ir

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران - تبریز.

shakeri_eh@yahoo.com

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، تحریم، توسعه، دولت، ایران، حکمرانی مطلوب

طبقه بندی JEL : O19,R58,K00

مقدمه

استکبار جهانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره درصدد ضربه زدن به انقلاب اسلامی و به انحراف کشاندن آن از مسیر اصلی خود بوده است. وضع تحریم‌های گوناگون به بهانه‌های مختلف و متعدد نیز از زمره همین تلاش‌هاست. در سال‌های اخیر و با اوج‌گیری موضوع پرونده هسته‌ای ایران، تحریم‌ها تشدید یافته و با تأثیری محسوس بر درآمد کشور، سایر پارامترهای اقتصاد کلان کشور را نیز تحت‌الشعاع قرار داده است. در پس‌ابرجام نیز علیرغم وعده و وعیدهای طرف مقابل، به دلیل خصومت دولت‌های استکباری با نظام جمهوری اسلامی ایران، ادامه وضع تحریم‌ها به بهانه‌ها مختلف را شاهد هستیم (آذرلی و آرمون، ۱۳۹۸: ۱۲۶). تحریم‌های اقتصادی و راهبردی آمریکا علیه ایران از سال ۱۹۷۹ آغاز شده و بی‌وقفه در حال افزایش و گسترش است. در چنین فرایندی شورای امنیت سازمان ملل از سال ۲۰۰۵ تحریم‌های چندجانبه و بین‌المللی علیه ایران را آغاز کرده است. تا سال ۲۰۱۰، آمریکا پنج قطعنامه برای اعمال محدودیت‌های اقتصادی و راهبردی علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل تصویب کرد. قطعنامه ۱۹۲۹ را می‌توان نماد فشارهای چندجانبه برای ایجاد محدودیت در حوزه نفتی، صنعتی، مالی و بانکی علیه ایران دانست. از سال ۲۰۱۱ به شدت و گسترش فرایند محدودسازی ایران افزوده شده است. درباره علل شکل‌گیری سیاست تحریم اقتصادی و راهبردی کشورهای جهان غرب علیه ایران رویکردهای متنوعی معرفی شده است.

جمهوری اسلامی ایران در چند دهه اخیر بیشترین و گسترده‌ترین تحریم‌ها را متحمل شده است. تحریم‌ها، شرایط اقتصادی کشور را در وضعیتی قرار می‌دهد که با اغلب فروض اساسی علم اقتصاد در تناقض است. حرکت آزادانه سرمایه برای کسب سود بیشتر در شرایطی که کشوری در تحریم قرار دارد، فارغ از معنای عملی و قدرت سیاستگذاری است. اعمال سیاست‌های تشویقی برای جذب سرمایه‌های خارجی در دوران تحریم موفق نخواهد بود. اعمال سیاست‌های ارزی برای مدیریت تجارت خارجی کشور تحت تأثیر شرایط تحریم کاملاً متفاوت است. سیاست‌های کلان اقتصادی برای کشوری که امکان تحریم شدن اقتصادی را همواره دارد، متفاوت با کشوری است که دچار این تهدید نیست. کشورهای دچار تحریم عموماً به سیاست‌های خوداتکایی و خودکفایی درون‌زا نیاز دارند (سمیعی‌نسب، ۱۳۹۳: ۱۱۷). در این میان، حکمروایی مطلوب می‌تواند کلید موفقیت حاکمیت اقتصادی کشورهای در حال توسعه و در معرض تحریم باشد. لذا با توجه به این وضعیت، حکمرانی مطلوب در برخورد و رویارویی با تحریم‌های اقتصادی می‌تواند بسیار اثرگذار و مهم باشد. بر این اساس تحقیق حاضر به دنبال بررسی نقش حکمرانی مطلوب در مقابله با تحریم‌ها و جنگ اقتصادی است.

۱. پیشینه تحقیق

طغیانی و درخشان (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیل عوامل تأثیرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر ایران و راهکارهای مقابله با آن، به دنبال این بوده تا با واکاوی تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر ایران با استفاده از تجربیات جهانی، راهکارهای علمی و عملی مقابله با تحریم‌های اقتصادی و اولویت‌بندی این راهکارها را ارائه کند. آنها شش عامل وجود درآمدهای نفتی، اتخاذ راهبرد توسعه‌ای جایگزینی واردات، رقابت جهانی، عدم همراهی کامل اقتصادهای نوظهور مستقل با تحریم، وجود بانکداری برون مرزی را به مثابه عوامل تقلیل‌دهنده تأثیر تحریم‌های اقتصادی مورد شناسایی قرار داده‌اند.

آذرلی و آرمون (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان مقایسه تأثیرات تحریم بر صنعت دفاعی با بخش اقتصادی و شناسایی راهبردهای موفقیت‌ساز صنعت دفاع، از طریق مطالعات مروری و اکتشافی، تحلیل آمار توصیفی و مصاحبه با خبرگان مدیریتی و اقتصادی بخش دفاع به تبیین راهبردهای موفقیت‌ساز صنعت دفاعی جمهوری اسلامی ایران در چهار دسته ولایتمداری، نگاه به درون، توسعه سازمان‌های دانش‌بنیان و بهینه‌سازی ساختاری پرداخته‌اند.

نیکوگفتار و ردادی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل راهبردی تحریم‌های تحمیلی بر جمهوری اسلامی ایران، به بررسی ابعاد مختلف تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر جمهوری اسلامی ایران و راهبردهای مقابله با آن پرداخته‌اند.

حکیم‌آبادی و دولت‌آبادی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی حقوقی و اقتصادی تأثیر تحریم بر صنعت گردشگری، خروج آمریکا از برجام و تأثیر آن بر صنعت گردشگری را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند.

امامیان و ویسی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیل سناریوهای دفاع و توسعه پایدار اقتصادی کشور در شرایط تحریم، با استفاده از روش تحلیل تأثیرات متقابل، عوامل اثرگذار بر تحریم‌ها و توسعه کشور در زمان تحریم را شناسایی و سپس از طریق ماتریس تحلیل تأثیرات متقابل، عوامل کلیدی را استخراج کرده‌اند.

سادات‌اخوی و حسینی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان ارزیابی تحریم‌های اقتصادی بر تورم اقتصاد ایران، به ارزیابی تحریم‌های اقتصادی به ویژه تحریم‌های سال ۱۳۸۹ به بعد بر تورم اقتصاد ایران پرداخته‌اند. نتایج آنها بیانگر اثرگذاری مستقیم تحریم بر تورم انتظاری و اثرگذاری غیرمستقیم تحریم بر تورم از طریق نقدینگی است.

عزتی و سلمانی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان برآورد اثر تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران، اثر مستقیم تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۱ مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد تا پیش از تحریم‌های گسترده نفتی و

بانکی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۹۲، رشد تولید ناخالص داخلی سرانه نیروی کار در ایران (بدون نفت) اثر مستقیم معناداری از تحریم‌های اقتصادی نپذیرفته است. نتیجه اینکه ریشه و علت مشکلات فعلی اقتصاد ایران، بیشتر مشکلات داخلی و سوءتدبیرهای اقتصادی است و نه تحریم‌های اقتصادی دشمنان.

۲. مبانی نظری

۲.۱. حکمرانی مطلوب

بانک جهانی (۱۹۹۲)، اتحادیه اروپا (۲۰۰۲) و برنامه جامع کاهش فقر و استراتژی رشد در ویتنام (۲۰۰۲)، بر جنبه‌های اقتصادی و مدیریتی حکمرانی از قبیل تخصیص کارآمد منابع، رفع فقر، رشد اقتصادی، ایجاد اداره امور دولتی کارا و اثربخش و ریشه‌کنی فساد تأکید کرده‌اند (جاسبی و نفری، ۱۳۸۸: ۸۷). برخی دیگر آن را با هدف توسعه سیاسی تعریف نموده‌اند. از نگاه آنها جنبه‌های متنوع دموکراسی مانند انتخابات، سیستم نمایندگی، کثرت‌گرایی، مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری، عدم تمرکز سیاسی، آزادی‌های مدنی، مشروعیت دولت و ارتقای سطح جامعه مدنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. طبق رویکردهای جدید، حکمرانی خوب از دیدگاه سیاسی نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. در واقع می‌توان گفت اگر پیش از این، تعریف حکمرانی فقط به دولت مربوط و آن را شامل می‌شود، در کاربرد جدید این واژه فقط شامل بازیگران و نهادهای دولت نمی‌شود بلکه علاوه بر دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی را نیز دربرمی‌گیرد (نقیبی‌منفرد، ۱۳۸۹: ۱۰۱). بنابراین با توجه به مفاهیم و مباحث مطرح‌شده درباره حکمرانی خوب، می‌توان آن را معطوف به یافتن الگو و ترکیب جدیدی از همکاری سه بخش دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی دانست (ضمیری، ۱۳۸۸: ۲۹).

۲.۲. دیپلماسی اقتصادی

دیپلماسی اقتصادی مجموعه‌ای از اقداماتی (هم در مورد روش‌ها و هم در مورد فرایندهای تصمیم‌گیری بین‌المللی) است که با فعالیت‌های اقتصادی برون‌مرزی نقش‌آفرینی دولتی و غیردولتی در جهان واقع ارتباط دارد. این فعالیت‌های اقتصادی شامل سرمایه‌گذاری، صادرات، واردات، کمک و اعانه، مهاجرت و ... می‌شوند. ویژگی عصر حاضر در واقع همان شدت روابط چندجانبه بین دولت‌ها و مردم در سراسر جهان است (کاشیان، ۱۳۹۸: ۶۰). این ویژگی باعث می‌شود فرصت‌های بازرگانی شگرف و بزرگی در بازارهای نوظهور پدید آید و این ظرفیت اقتصادی، دلیلی برای توجه روزافزون

دانشمندان و سیاستگذاران به دیپلماسی اقتصادی و سیاست بازرگانی است (پرژیک، ۱۳۹۴: ۶۳). دیپلماسی اقتصادی امروزه دیگر جنبه‌های سیاست و روابط بین‌الملل را به شدت تحت تأثیر گذاشته به طوری که سیاست خارجی کشورهای مختلف را در خدمت اهداف اقتصادی قرار داده است (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۳).

۲.۳. تحریم

تحریم به عنوان عمل دسته جمعی و کیفری متضمن اقدامات دیپلماتیک، اقتصادی و یا نظامی در برابر کشوری است که بر خلاف مصوبات منشور ملل متحد رفتار کرده است. شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد تحت عنوان اقدام در مورد تهدید علیه صلح، نقض صلح و اعمال تجاوز، دولت‌های عضو را برای انجام اقدامات لازم در برابر کشور خطاکار فرا می‌خواند. این اقدامات ممکن است شامل قطع تمام و یا قسمتی از روابط اقتصادی و یا ارتباطی و همچنین قطع روابط سیاسی و یا در صورت لزوم شامل اقدامات نظامی باشد. از دیدگاه جامعه شناختی، تحریم واکنشی است که اعضای یک گروه اجتماعی در تأیید یا ردّ گونه ای از رفتار بروز می‌دهند. بنابراین، تحریم عبارت است از امتناعی نظام‌یافته از برقراری روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی یک دولت یا گروهی خاص از دولت‌ها برای تنبیه یا ایجاد رفتار مورد قبول (قلی‌پور و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۱). این واکنش، در معیارهای رفتاری گروه به دو صورت، تحریم منفی (تنبیه) و تحریم مثبت (تشویق)، نمود یافته و رفتارها را مطابق با هنجارهای اجتماعی تنظیم می‌کند. کارکرد اصلی تحریم در این مفهوم، فراهم آوردن الگویی برای نظارت اجتماعی و به دست دادن عاملی برای انسجام جامعه است. یکی از اهداف تحریم‌ها، تضعیف پایه‌ها و بنیادهای اقتصادی کشورها است. تحریم‌های اقتصادی معمولاً به عنوان ابزاری در تعقیب سیاست خارجی به کار می‌روند. این گونه استدلال می‌گردد که هدف جنگ اقتصادی این است که تا حد امکان به اقتصاد دشمن خسارت وارد نماید. تحریم‌های اقتصادی اقدامات منفی محسوب می‌گردند که درصدد تأثیرگذاری بر رفتار کشور از طریق تهدید و در صورت ضرورت، تحمیل مجازات به منظور عدم رعایت قانون می‌باشند. از اهداف دیگر تحریم‌های اقتصادی می‌توان به هدف بی‌ثباتی کشورها از طریق فشارهای اقتصادی اشاره کرد. بررسی سوابق تحریم‌ها مبین این است که در اکثر موارد، تحریم‌های اقتصادی تأثیر اقتصادی قابل ملاحظه‌ای بر جا گذاشتند اما موفقیت سیاسی آنها چندان قابل توجه نبوده است.

۳. یافته‌های تحقیق

۳.۱. شاخص‌های اندازه‌گیری حکمرانی مطلوب و رشد اقتصادی

امروزه تمایلات زیادی برای درک ماهیت حکمرانی به عنوان ابزار ارتقاء فرایند توسعه یافتگی وجود دارد. نهادهای مالی بین‌المللی نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول همگی بر این عقیده‌اند که حکمرانی خوب یک ضرورت حیاتی برای کمک به تحقق برنامه‌های توسعه است. در دهه‌های اخیر و مخصوصاً در دهه ۹۰ میلادی تحقیقات زیادی توسط محققان در مورد مدیریت دولتی و انتخاب بهترین چارچوب حاکمیتی دولت صورت گرفته است که در این میان تحقیقات بانک جهانی جایگاه خاصی برخوردار است. حکمرانی مفهوم گسترده‌ای دارد که با حوزه‌هایی چون محیط اقتصادی و یا به عبارتی امنیت اقتصادی، سیاست، اجتماع و حقوق ارتباط مستقیم دارد. بانک جهانی در گزارش سال ۱۹۹۷ که تحت عنوان «نقش دولت در جهان در حال تحول» منتشر شد، نه تنها بر نقش تعیین‌کننده دولت در تغییر و تحولات اقتصادی اشاره کرده است بلکه دامنه نظری و تجربی در مورد کارکرد دولت را در سطح جهانی گسترش داد که در نهایت سلسله مباحث مذکور به تعیین مفهوم حکمرانی منتهی گردید، بانک جهانی، حکمرانی را شیوه استفاده از قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی برای دستیابی به توسعه پایدار تعریف می‌کند. مطابق با این تعریف، کشورهای عضو باید به بهبود سازوکارهای تخصیص منابع، فرآیندهای تدوین، انتخاب و اجرای خط مشی‌ها و روابط بین شهروندان و حکومت بپردازند. این سازمان، حکمرانی خوب را به عنوان سنت و نهادهایی تعریف می‌کند که توسط آنها قدرت به منظور مصلحت عمومی در یک کشور اعمال می‌شود و مشتمل بر سه مؤلفه زیر است:

۱. شکل رژیم سیاسی: فرایندی که از طریق آن صاحبان قدرت، انتخاب، نظارت و تعویض می‌شوند که در مورد این مؤلفه دو شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی و ثبات سیاسی و عدم خشونت مطرح هستند.

۲. فرایند اعمال اقتدار در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی برای توسعه: ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست‌های درست مؤلفه دوم است که دو شاخص اثربخشی دولت و نیز بار مالی مقررات را شامل می‌شوند.

۳. ظرفیت حکومت برای طراحی و تدوین و اجرای خط‌مشی‌ها و وظایف اجرایی: احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آنها را داره می‌کنند مؤلفه سوم است که دو شاخص حاکمیت قانون و کنترل فساد را در بر می‌گیرد (کریمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷).

در این تعریف هر اندازه ویژگی‌های مثبت مانند حاکمیت قانون، پاسخگویی و اثربخشی دولت در یک جامعه بیشتر باشد و فساد، مقررات اضافی و بیشبانی سیاسی و خشونت کمتر باشد، حکمرانی در آن جامعه برای نیل به توسعه مناسب تر است. در این نظریه، ضمن پذیرش دخالت منطقی دولت بر نقش تسهیل گری آن تأکید می‌شود و با رویکرد توسعه سیاسی و دموکراسی بر نقش مهم دولت در بسترسازی به منظور تقویت نهادهای مدنی، آزادی‌های اجتماعی تأکید می‌شود. همچنین در حکمرانی خوب بین سه رکن اصلی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی ارتباط نزدیکی وجود دارد، شراکت موجود سبب می‌شود که از امور عمومی به شکل صحیح تر و بهینه تری بهره برداری شود. ارتباط صحیح موجود بین سه رکن فوق زمینه را برای تحقق حکمرانی مطلوب در ابعاد مختلف میسر می‌سازد و در حکمرانی خوب این سه رکن به عنوان فعالان اصلی محسوب می‌شود (برادران شرکاء و ملک‌الساداتی، ۱۳۸۷: ۳۲).

۳.۲. جایگاه ایران در شاخص‌های حکمرانی

حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود (میدری، ۱۳۸۳). از این رو می‌توان چنین استنباط نمود که سیستم حکمرانی چارچوبی است که فرایند متکی بر آن است. بدین معنی که مجموعه‌ای توافقات، رویه‌ها، قراردادهای و سیاست‌ها مشخص می‌کنند که قدرت در دست چه کسی باشد، تصمیمات چگونه اتخاذ گردند و وظایف چگونه انجام و ادا می‌شوند (صانعی، ۱۳۸۵). از این رو می‌توان چنین استنباط نمود که سیستم حکمرانی، چارچوبی است که فرایند، متکی بر آن است. بدین معنی که مجموعه‌ای از توافقات، رویه‌ها، قراردادهای و سیاست‌ها مشخص می‌کنند که قدرت در دست چه کسی باشد، تصمیمات چگونه اتخاذ گردند و وظایف چگونه انجام و ادا می‌شوند (صانعی، ۱۳۸۵). بانک جهانی از سال ۱۹۹۶، به منظور سنجش کیفیت حکمرانی در کشورهای مختلف، ۶ شاخص معرفی نموده که تحت عنوان شاخص‌های حکمرانی جهانی شناخته می‌شوند و عبارتند از: پاسخگویی و حق اظهارنظر، ثبات سیاسی و نبود خشونت/تروریسم، اثربخشی دولت، کیفیت تنظیم مقررات، حاکمیت قانون و مهار فساد. شاخص‌های حکمرانی، به عنوان یک مجموعه داده پیمایشی، خلاصه‌ای از نظرات در مورد کیفیت حکمرانی ارائه شده در هر کشور است و از پاسخ شمار زیادی از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی شامل شهروندان و کارشناسان کشورهای صنعتی و در حال توسعه استخراج گردیده است.

کالاها و ... که قبلاً از طریق واردات تأمین می‌شد. بنابراین مهمترین نکته در مقابله با تحریم از جانب کشورهای مختلف این است که اوضاع اقتصاد داخلی به گونه‌ای طراحی شود که اولاً هزینه‌های تحریم برای کشورهای تحریم‌کننده بیشتر شود و ثانیاً هزینه‌های داخلی تحریم را کاهش دهد تا در مقایسه با منافع از دست رفته به دلیل تسلیم در برابر تحریم‌ها، همواره کمتر باشد. با توجه به این مبنا می‌توان رهیافت‌های زیر را در حوزه حکمرانی مطلوب برای مقابله با اثرات تحریم‌ها دنبال کرد:

۳.۳.۱. شناسایی موارد آسیب‌پذیر و برنامه‌ریزی برای رفع آنها

اگرچه اقتصاد ایران بعد از انقلاب همواره با تحریم مواجه بوده و نسبت به آن ورزیده شده است اما تجربه سال‌های اخیر تشدید تحریم‌ها نشان می‌دهد اقتصاد ایران اشکالات ساختاری بسیاری دارد که آن را در مقابل تحریم‌ها آسیب‌پذیر می‌کند. در این میان شناسایی موارد آسیب‌پذیری تولید در وضعیت تشدید تحریم اهمیت زیادی دارد. وجود مشکلات ساختاری و موارد آسیب‌پذیر در مدیریت اقتصادی، بخش‌های تولید، فرایند توزیعی و رفتارهای مصرفی هر یک می‌تواند به تشدید آثار تحریم‌های اقتصادی بینجامد. تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد مدیریت اقتصادی کشور به هیچ وجه آمادگی لازم برای رویارویی با تحریم‌های شدید را ندارد. برای مثال اعلام تصمیمات و سیاست‌های سریع بدون برنامه‌ریزی و توجه به جوانب آن در وضعیت اختلال در بازارهای ارز و فلزات گرانبها، سبب تشدید بی‌ثباتی و نااطمینانی در اقتصاد کشور شد و هزینه‌های تحریم را مضاعف کرد. از سوی دیگر تولیدی که همواره وابسته به فناوری، تجهیزات، قطعات و حتی نهاده‌های اولیه و کالاهای واسطه‌ای و نیمه‌ساخته خارجی باشد، در وضعیت تحریم اقتصادی به شدت آسیب دیده و ممکن است از حرکت باز ایستد. علاوه بر این فرایند توزیعی کشور که در وضعیت طبیعی معیوب بودن آن از نظر ناکارایی و حاشیه سود بسیار بالای واسطه‌ها محرز است، در وضعیت اختلال در بازارها بسیار مستعد رفتارهای محتکرانه و سوداگرانه است؛ چیزی که در صورت عدم مداخله مناسب دولت برای تنظیم بازارها به دلیل ضعف در ذخایر ارزی و ... مردم را دچار فشار مضاعف می‌کند. اصلاح ساختاری مسائل پیش‌گفته به همراه پیش‌بینی راه‌حل‌های موازی برای ایجاد قابلیت انعطاف در مواقع بروز مشکل، اصل کلیدی مقابله با تحریم خارجی است.

۳.۳.۲. کنترل تعاملات اقتصادی بین‌المللی

اگرچه جابجایی نیروی کار، سرمایه و کالاها بین کشورها و استفاده از مزیت‌های نسبی موجب منافع متقابل می‌شود، وابستگی به مبادله عوامل تولید و تجارت با کشورهایی که مشترکات

راهبردی عمده با ما ندارند، زمینه تعاملی شکننده و ناپایدار را فراهم می‌کند که در وضعیتی مانند تحریم‌های اقتصادی فرو خواهد پاشید و مشکلات عدیده‌ای ایجاد خواهد کرد. پی‌ریزی تعاملاتی هوشمندانه مبتنی بر همسویی منافع در طول بُرداری از اشتراکات مذهبی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی و ... می‌تواند در مواقع دشواری به کمک آید. گفتنی است که مهمترین حامیان تجارت آزاد قوانینی تحت عنوان قانون تجارت با دشمن تصویب کرده‌اند که به دولت آنها در مواقع اضطراری اجازه هر نوع کنترل و تحدید تعاملات اقتصادی بین‌المللی را می‌دهد. این قانون در ایالات متحده در سال ۱۹۱۷ و در انگلستان در سال ۱۹۳۹ به تصویب رسیده و در مواقعی مانند جنگ جهانی دوم نیز از آن استفاده شده است. در ماده ۵ این قانون آمده است «در زمان جنگ یا هر زمانی که رئیس جمهوری وضعیت اضطراری ملی را اعلان کند، رئیس جمهور می‌تواند از طریق هر سازمانی که ایجاد می‌کند یا طریق دیگر، به بررسی، تنظیم و کنترل یا وضع ممنوعیت‌هایی در قالب قوانین موجود یا خارج از شمول آنها، بر هر گونه معاملات در بازار ارز، نقل و انتقال اعتبار بین افراد و بنگاه‌ها یا هر پرداخت مؤسسات بانکی و هر نوع صادرات، احتکار، ذوب یا انتقال فلزات گرانبها در چارچوب تعریف رئیس‌جمهوری بپردازد. به عبارت دیگر می‌توان گفت اصول تجارت با دشمن یا وضعیت اضطراری از اصول عام تجارت بین‌الملل متفاوت است. در مبانی دینی اسلامی نیز قرآن کریم از هرگونه روابط تعاملی با غیرمسلمانان که سبب سلطه اقتصادی و سیاسی آنها بر مسلمین شود منفع کرده است که تحت عنوان قاعده نفی سبیل در قواعد فقهی از آن نام برده می‌شود. به نظر می‌رسد که با توجه به این مبانی لازم است روابط تجاری حتی در وضعیت عادی نیز با توجه به ملاحظات این قاعده ساماندهی شود. علاوه بر برنامه‌ریزی و سیاستگذاری در روابط تجاری بین-المللی لازم است جرایانات مالی و ارزی ورودی و خروجی نیز در وضعیت تحریم و وجود کمبود منابع به صورت جدی‌تری کنترل و نظارت شود. کنترل جدی بر عرضه و تقاضای ارز در بازار و هدایت آن در جهت نیازمندی‌های اساسی اقتصاد از مسائل مهمی است که لازم است برای آن تدبیری اندیشه شود.

۳,۳,۳. کاهش وابستگی به تولیدات خارجی

کاهش وابستگی به تولیدات خارجی در روابط خارجی برای مقابله با تحریم‌ها اهمیت زیادی دارد. به طور طبیعی حجم بالای تجارت خارجی زمینه ایجاد وابستگی به تولیدات خارجی و در نتیجه تشدید نیاز ارزی است. در وضعیت عادی اگر صادرات و منابع ارزی تکافوی تقاضای ارز را بکند، تعادل بازار ارز برقرار می‌شود؛ اما در وضعیت تحریم کلیه این معادلات دگرگون می‌شود. بنابراین اصل کلیدی آن است که کالاهای اساسی و راهبردی همچون غذا، دارو، سوخت و نیازهای دفاعی

مبتنی بر منابع، توان و جهت‌گیری‌های داخلی باشد. در صورتی که وضعیت موجود این گونه نیست و برای نمونه در حالی که مصرف سرانه مرغ در ایران در سه دهه گذشته پنج برابر شده، حدود هشتاد درصد از سویای مورد نیاز برای خوراک طیور وارداتی است. علاوه بر این وابستگی شدید صنایع داخلی به فناوری، قطعات و تجهیزات خارجی باید از طریق گسترش واحدهای تحقیق و توسعه و ایجاد ارتباط وثیق میان دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی با صنایع هر چه زودتر برطرف شود. دولت می‌تواند برای تسریع این مهم به سیاست‌هایی تشویقی مبادرت ورزد.

۳,۳,۴. کنترل کسری تراز پرداخت‌ها و متنوع‌سازی نظام ارزی کشور

شاید اصلی‌ترین متغیر در تشدید اثربخشی تحریم‌ها وضعیت نظام ارزی شامل وابستگی به درآمدهای ارزی در همه بخش‌های اقتصاد به صورت مستقیم و غیرمستقیم در کنار کسری تراز پرداخت‌های خارجی باشد. تشدید کسری تراز پرداخت‌ها موجب می‌شود اثربخشی تحریم‌ها تصاعدی افزایش یابد. بنابراین حذف وابستگی بودجه دولت به درآمدهای ارزی حاصل از نفت، گاز و پتروشیمی، کاهش مستمر واردات نیازهای اساسی، حمایت از تولید محصولاتی که عرضه رقابتی آنها با خالص ارزآوری مثبت یا خالص ارزبری منفی همراه باشد، پرهیز از خام‌فروشی و تشویق صادرات به ویژه صادرات محصولات دانش‌بنیان و خدمات تخصصی، اصول محوری کنترل کسری تراز پرداخت‌هاست. علاوه بر این اگرچه تنوع در نظام ارزی همواره با خطر تغییر قیمت گستره بیشتری از ارزها همراه است، در وضعیت خاص کشور ما که همواره در معرض تهدیدات اقتصادی قرار دارد، اقتصاد تک‌محصولی در کنار گردش درآمدی واحد ارزی، موجب بی‌ثباتی نظام ارزی می‌شود. تلاش مستمر برای تکمیل زنجیره محصولات و ارتقای ارزش افزوده آنها و نیز یافتن شرکای جدید تجاری موجب تنوع‌بخشی، قابلیت انعطاف، افزایش تنوع درآمدهای ارزی و تثبیت بازار ارز به عنوان یکی از بازارهای اصلی اقتصاد به ویژه اقتصاد ایران می‌شود.

۳,۳,۵. دیپلماسی فعال

جلوگیری از تشدید تحریم‌ها به ویژه به کمک دیپلماسی خارجی، دیپلماسی عمومی و دیپلماسی اقتصادی و نیز استفاده از ظرفیت‌های حقوقی برای طرح دعوا علیه تحریم‌های غیرقانونی در محاکم بین‌المللی و نیز مدیریت افکار عمومی برای تسلیم نشدن در برابر عملیات روانی تحریم‌کنندگان نیز برای تحدید اثربخشی تحریم‌ها مؤثر است. اثربخشی تحریم‌ها ابتدا اقتصادی، سپس اجتماعی و در نهایت سیاسی و تغییر رفتار دولتمردان کشور هدف است.

کاهش هزینه‌های اقتصادی تحریم‌ها از شیوه‌های پیش گفته و نیز یافتن متحدان و شرکای جدید در فضای بین‌المللی در کاهش هزینه‌های تحریم به کشور هدف کمک زیادی می‌کند؛ ضمن اینکه هزینه‌های تحریم برای تحریم‌کننده را نیز به مقدار زیادی افزایش خواهد داد چرا که لازم است برای حفظ اتحاد چندجانبه عاملان، امتیازات بیشتری بدهد. عملیات روانی، نقض اجماع‌ها، نفوذ بین متحدان علیه منافع کشور هدف و ... مبتنی بر هنجارهای بین‌المللی می‌تواند هزینه تحریم را برای تحریم‌کنندگان افزایش دهد. همان طور که در دلایل تشدید بیان شد، بین‌المللی شدن تحریم‌ها و چندجانبه شدن آن باعث خواهد شد تأثیر آن افزایش یابد. همچنین کشورهای صادرکننده برای تشدید تأثیر تحریم‌ها از عملیات روانی بین‌المللی مانند واژه‌های حمایت از تروریسم و نقض حقوق بشر یا وارونه جلوه دادن برنامه‌های هسته‌ای کشور استفاده می‌کنند تا با ایجاد همگرایی در دنیا، هزینه‌ها بر کشور هدف را افزایش دهند. در این میان استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و نیز دیپلماسی فعال و عمومی تا حدی از شدت فشارهای یادشده می‌کاهد. شایان ذکر است که قدرت اقتصادی تحریم‌کنندگان به هیچ وجه نباید سبب یأس و ناامیدی در کشور هدف شود؛ چرا که مطالعات بین‌المللی حوزه تحریم نشان می‌دهد تفاوت بسیار زیاد تولید ناخالص داخلی کشور تحریم‌کننده و کشور هدف (حجم متفاوت اقتصادی آنها) موجب نشده است اثربخشی تحریم‌ها تشدید یابد. بنابراین اگرچه دامنه و قلمرو تحریم‌ها متغیری کلیدی است، عوامل تعیین‌کننده اصلی، متغیرهای دیگر از جمله وابستگی عمده به خارج است. همچنین حضور دیپلماسی فعال اثرگذار است؛ نمونه‌های زیادی وجود دارد که ائتلاف چند کشور برای تحریم یک کشور به تقلب و پنهان‌کاری تعدادی از همان کشورها برای استفاده از خلاء تجاری و افزایش حاشیه سود منجر شده و در مجموع موجب دور زدن شرکا شده است. بنابراین پارادوکس موجود آن است که در نگاه اول تصور می‌شود یافتن متحدان جدید بر اثربخشی تحریم‌ها تأثیر مثبت دارد اما عملاً آزمون‌ها و مشاهدات عکس آن را نیز نشان می‌دهد. بر این اساس وجود ائتلاف متحدان نیز نباید موجب وادادگی کشور هدف شود.

۳.۳.۶. حمایت از اقشار آسیب‌پذیر

همواره یکی از دلایل تحریم اقتصادی فشار بر مردم و ایجاد ناآرامی‌های داخلی به منظور تسلیم دولتمردان و پذیرش خواسته‌های تحریم‌کنندگان است. در این میان طبقاتی که بیشترین آسیب را از تحریم اقتصادی می‌بینند، اقشار آسیب‌پذیر و محروم و نیز افراد دارای درآمدهای ثباتی هستند که نمی‌توانند آثار تحریم را به دیگران منتقل کنند. مصون‌سازی و ایجاد چتر حمایتی برای این

گروه‌ها مانند کارگران، کشاورزان و کارمندان با درآمد پایین می‌تواند جمعیت متأثر از تحریم را کاهش دهد.

۳,۳,۷. مدیریت مناسب افکار عمومی و ادراک مردم

در مجموع اگر مردم بر این باور باشند که تحریم‌ها تأثیری ندارد، رفتارهایی نشان خواهند داد که عمق آثار تحریم‌ها را خود به خود کمتر می‌کند و برعکس اگر ادراک مردم از وضعیت جامعه این باشد که تحریم‌ها کشور را مختل کرده است، رفتارهای واکنشی مردم و حتی مسئولان موجب اثربخش شدن تحریم‌ها خواهد شد. دامن زدن و بزرگ کردن مشکلات توسط راسنه‌ها، سایت‌ها و روزنامه‌ها موجب می‌شود تا فضای نااطمینانی در کشور پررنگ‌تر شود. از این رود در واکنش به آن رفتارهایی از مردم و مسئولان دیده می‌شود که به بحران‌های جدید می‌انجامد. بر این اساس گام اساسی برای مقابله با تأثیرات تحریم، مدیریت مناسب و ادراک مردم و افکار عمومی در خصوص وضعیت اقتصادی و تحریم‌هاست تا از چنین رفتارهایی جلوگیری شود؛ چرا که نااطمینانی موجود در افکار عمومی، کارایی اقتصادی را به شدت کاهش می‌دهد و بحران را گسترده‌تر می‌سازد.

۳,۳,۸. پیگیری رهیافت اقتصاد مقاومتی

اگرچه تمامی موارد قبلی را می‌توان در قالب رهیافت اقتصاد مقاومتی نیز تشریح کرد و این رهیافت جامع همه موارد یادشده است، با این حال بخش‌هایی از آن اهمیت بیشتری دارد. در اقتصاد مقاومتی امید می‌رود تا با ایجاد ساختاری مقاوم در اقتصاد، حرکت آن در مسیر رشد و پیشرفت تضمین شود؛ دو ویژگی مهم چنین اقتصادی مردمی بودن و دانش‌بنیان بودن آن است. از جمله راهکارهایی که رهبر انقلاب برای مقاومتی شدن اقتصاد ایران پیشنهاد کرده‌اند مردمی‌سازی اقتصاد است. آنچه در موضوع اقتصاد مردمی به نظر می‌رسد تسهیل ورود همه اقشار مردم به حوزه اقتصاد و زمینه‌سازی برای برداش کردن امور اقتصادی به صورت کاملاً خودجوش توسط آحاد مردم است و در صورت تحقق این امر اقتصاد کشور به حرکت در می‌آید و دستیابی به اهداف آن به رغم وجود موانع ممکن می‌شود. حضور آحاد مردم در اقتصاد و نقش‌آفرینی در آن نیازمند بسترسازی است به گونه‌ای که همه انگیزه‌ها، ابتکارات و خلاقیت‌ها فرصت و زمینه بروز و ظهور بیابند. با این حال باید توجه کرد که فقط در صورتی ورود افراد به زمینه‌های اقتصادی ثمربخش خواهد بود که زمینه‌های انگیزشی در جهت مناسب و صحیح به کار انداخته شود که در غیر این صورت نه تنها نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود بلکه مسیر حرکت به سمت هدف دشوارتر نیز خواهد شد. علاوه بر این طرح‌ریزی پیشرفت اقتصادی کشور بر مبنای علم و دانش یا توسعه صنایع دانش‌بنیان که ارزش افزوده بسیار

بیشتری تولید می‌کند، الوده‌کننده محیط‌زیست نیست و بر پایه توانمندی‌های انسانی استوار است. ویژگی اساسی دوم یک اقتصاد مقاومتی این است که لازم است در بلندمدت تحول ساختار اقتصاد ایران متناسب با آن مدنظر قرار گیرد. شکل‌گیری دو ویژگی یادشده پیشین که هر دو نیازمند تحولی ساختاری است، در بلندمدت به مقاوم شدن اقتصاد ایران در مقابل تحریم‌های اقتصادی کمک شایانی خواهد کرد (طغیانی و درخشان، ۱۳۹۳: ۱۳۸).

۳,۳,۹. توسعه اقتصاد هوشمند، مسیری برای بهبود حکمرانی و اقتصاد

حکمرانی مطلوب، اساساً ماهیتی تکامل‌جو و کمال‌طلب دارد، ماهیت تکامل‌خواهی سبب می‌شود تا این نوع حکمرانی، عامل تغییر و تحول، عامل شکل‌دادن به تحول و عامل تکاپو برای محقق‌سازی اندیشه‌های تحول‌جزئی باشد. در حکمرانی خوب، به جای حفظ وضعیت موجود، تغییر و شتاب و تکامل‌طلبی انتخاب می‌شود و ساختارهای سازمانی و توسعه منابع انسانی با هدف افزایش هر چه بیشتر خلاقیت‌ها، نوآوری‌ها، کارآفرینی و انرژی طراحی می‌شوند. در چنین شرایطی برای اصلاح نظام تدبیر لازم است اقدامات گسترده و هدفمندی در سطح تمام قوا و همچنین نهادهای عمومی غیردولتی انجام گردد. این اصلاحات نیاز به عزمی فراگیر و گسترده دارد و باید با یک برنامه زمان‌بندی شده، دارای اولویت‌های مشخص و تقسیم وظایف دقیق صورت گیرد. اهداف اصلی این اقدامات باید کوچک‌سازی و چابک‌سازی، کاهش تمرکز، ارتقا سیستم‌های نظارتی و افزایش شفافیت، تقویت نهادهای تضمین‌کننده حقوق مالکیت، ارتقا رویه‌ها و فرایندهای قانون‌گذاری و افزایش کارایی قوانین، مبارزه با فساد و افزایش رقابت‌پذیری در عرصه اقتصاد باشد. بنابراین به نظر می‌رسد اصلاح و ارتقاء نظام حکمرانی، نیازمند تحولاتی انقلاب‌گونه است، زیرا عملیاتی شدن این تحولات از یک سو دارای یک سازگاری ذاتی و از سوی دیگر بسیار پرهزینه و زمان‌بر است. تحول نظام حکمرانی باید در درون نظام حکمرانی کنونی شکل بگیرد که بررسی‌ها حکایت از ناکارآمدی آن در اجرای سیاست‌ها داشت. اما این مشکلات می‌توانند به یاری انقلاب فناوری کنونی از میان رفته و در نتیجه اصلاح نظام حکمرانی تسهیل و تسریع شود. توسعه اقتصاد هوشمند می‌تواند کمک کند نظام حکمرانی از درون خود اصلاح و ارتقا یابد و این کار با هزینه حداقلی و در کمترین زمان ممکن صورت گیرد.

علاوه بر این توسعه اقتصاد هوشمند با توجه به نقشی که فناوری‌های نوین در تحول ساختار و قواعد اقتصادی دارند نیز بسیار با اهمیت بوده و نمی‌توان حرکت به سوی آن را به تعویق انداخت. به واسطه اهمیت و نقش توسعه اقتصاد هوشمند در بهبود نظام حکمرانی و تأثیر آن بر فرایند توسعه کشور، توسعه اقتصاد هوشمند باید یکی از برنامه‌های اصلی باشد. انتظار می‌رود توسعه اقتصاد هوشمند منجر به افزایش شفافیت و در نتیجه افزایش پاسخگویی شده و علاوه بر آنکه امکان نظارت

دقیق‌تر را فراهم می‌نماید، کمک می‌کند تا ارکان مختلف دولت بتوانند به شکل مناسب‌تر و دقیق‌تری به انجام وظایف خود و ارائه خدمات بپردازند. برای آنکه اقتصاد هوشمند در ایران نیز به شکل مناسبی توسعه یابد، لازم است اقدامات موردنیاز برای گفتمان‌سازی در این حوزه انجام پذیرفته، اسناد مرتبط تهیه و به تصویب مراجع بالادستی برسد و راهبردها و سیاست‌های لازم برای دستیابی به اهداف تعیین‌شده اتخاذ گردد. سنجش کیفیت دستیابی به اقتصاد هوشمند، به معنای حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب، یک مسأله بااهمیت برای بررسی میزان تفوق سیاست‌های اتخاذشده است که مستلزم نگاه کمی به ورودی‌ها، فرایندها و زیرساخت‌های اقتصاد هوشمند است. در وهله نخست، برای گذار از اقتصاد در شکل کنونی به اقتصاد هوشمند، نیاز به سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی است که می‌تواند به هوشمند شدن اقتصاد منجر شود؛ اما مخارج خود به تنهایی نمی‌تواند گویای عملکرد باشد و لازم است بررسی شود که سرمایه‌گذاری‌های انجام شده تا چه حد به تغییرات ساختاری منجر شده یا به عبارتی به تکامل زیرساخت‌های اقتصاد هوشمند بدل شده است. از طرفی هدف غایی، افزایش رفاه، استانداردهای زندگی و بهبود جایگاه سیاسی، اقتصادی و نظامی کشور در فضای بین‌الملل است؛ بنابراین حتی اگر زیرساخت‌های اقتصاد هوشمند نیز بهبود یابد، اما نتایج مطلوب حاصل نشده باشد، همچنان بخشی از فرایند با مشکل مواجه خواهد بود (پارمحمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹).

۴- نتیجه‌گیری

شاید یکی از دلایل عمده وضعیت دشوار اقتصاد در سال‌های اخیر، بازگشت تحریم‌ها و تهدید به فشار حداکثری خارجی بر اقتصاد ایران و در نتیجه انتظارات منفی عاملان اقتصادی از آینده قلمداد شود؛ اما نگاهی دقیق‌تر به موضوع نشان می‌دهد که اقتصاد ایران دارای مشکلات ساختاری و چالش‌های ریشه‌داری است که تحریم آنها را عریان در مقابل چشم قرار داده است. به نظر می‌رسد همین مشکلات ساختاری باعث شده که تحریم تا این میزان اثربخش باشد. چه آنکه اگر اقتصاد ایران از سطح بالای تاب‌آوری برخوردار بود، تحریم نمی‌توانست تا این میزان بر عملکرد اقتصادی کشور تأثیرگذار باشد. به عنوان نمونه اگر وابستگی اقتصاد و بودجه دولت به نفت طی سالیان گذشته به شکل محسوسی کاهش یافته بود، یا اگر مقاصد صادراتی و مبادی وارداتی کشور به اندازه کافی متنوع بود، احتمالاً اقتصاد راحت‌تر می‌توانست شوک برونزای تحریم را در خود هضم کند. برای ریشه‌یابی مشکلات اقتصادی کشور باید نگاهی جامع و دقیق داشت و از نگاه تک‌بعدی و تک‌ساحتی پرهیز کرد. اگر تنها یک دسته از عوامل مهم و حیاتی قلمداد شده و از نقش دیگر عوامل غفلت شود، خطایی راهبردی اتفاق خواهد افتاد. البته واضح است که اهمیت همه عوامل به یک

اندازه نیست و برای برون‌رفت از مشکلات باید برای اصلاح همه آنها برنامه‌ریزی و اقدام کرد. در میان عوامل سهیم در بروز مشکلات اقتصادی جاری، سهم ساختار اقتصادی و نظام حکمرانی کمتر از سایر عوامل مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به نتایج ضعیف استراتژی توسعه کشور در سال‌های گذشته، کاربست یک رویکرد تحول‌گرا در حکمرانی به منظور تحدید قدرت اقتصادی نهادهای سیاسی، بهبود شفافیت و پاسخگویی و ایجاد امکان تشکیل یک جامعه مدنی قوی ضروری است. بدون این تغییرات، توسعه در ایران بسیار دشوار خواهد بود. اصلاحات تک‌بعدی که فقط روی مشکلات واحدی مانند روابط بین‌الملل متمرکز شوند، می‌توانند تسکینی کوتاه‌مدت باشند و در میان‌مدت و بلندمدت لزوماً موفقیت‌آمیز نخواهند بود. تحول در نظام حکمرانی نیازمند شکل‌گیری اراده سیاسی منسجمی در تمام ارکان حکومت و تسری اعمال قانون به تمام بخش‌های جامعه است. به نظر می‌رسد اصلاح و ارتقاء نظام حکمرانی، نیازمند تحولاتی اساسی است؛ زیرا عملیاتی شدن این تحولات از یک سو دارای یک ناسازگاری ذاتی و از سوی دیگر بسیار پرهزینه و زمان‌بر است. تحول نظام حکمرانی باید در درون نظام حکمرانی کنونی شکل بگیرد که بررسی‌های این فصل حکایت از ناکارآمدی آن در اجرای سیاست‌ها داشت؛ اما این مشکلات می‌توانند به مدد حکمرانی مطلوب و در نتیجه اصلاح نظام حکمرانی تسهیل و ترفیع شود. با تحولات فکری و فنی عصر جدید، توسعه هم در بستر اجتماعی اتفاق می‌افتد؛ از این جهت، پس از پشت سر گذاشتن بحران‌های مختلف اجتماعی و دوره‌های گوناگون نظریه‌پردازی، الگوی حکمرانی مطلوب مطرح می‌شود. حکمرانی خوب به عنوان یک پارادایم جدید فکری و عملیاتی نقش مهمی در الگوی اداره کشور توسط دولت ایفا می‌کند و به تنظیم روابط دولت با بخش خصوصی و جامعه مدنی در راستای کاهش تصدی‌گری آن و افزایش سطح رفاه عمومی و توسعه اقتصادی می‌پردازد. بهره‌گیری از اصول حکمروایی مطلوب در برابر تحریم‌های اقتصادی می‌تواند باعث کاهش معنادار اثرات تحریمی شود. بنابراین در جهت تقویت نظام حکمرانی مطلوب و راهبری آن به سوی توسعه اقتصادی پیشنهادها در سه سطح زیر مطرح می‌گردد:

سطح اول: نوعی حکمرانی همکاری‌محورانه با تکیه بر اسناد بالادستی جمهوری اسلامی بین تمام سطوح اجتماعی، به گونه‌ای که ارتباط و گفتگوی متقابل به طور مستقیم و غیرمستقیم بین دولت - دولت، دولت - مردم، مردم - مردم، دولت - نظام بین‌الملل و مردم - نظام بین‌الملل شکل گیرد.

سطح دوم: برای عملیاتی شدن سطح اول، باید این راهبردها به عنوان اولویت مدنظر قرار گیرد: مشارکت شهروندان از طریق گسترش رسانه‌ها و انجمن‌ها، احزاب، اتحادیه‌ها، فضای مجازی، ثبات

در طراحی سیاست‌ها و تنش‌زدایی در عرصه بین‌الملل از طریق سیاست خارجی توسعه‌گرایانه، تمرکززدایی وظایف و اختیارات و واگذاری آن به بخش خصوصی و مدیریت‌های محلی.

سطح سوم: با توجه به پیش‌زمینه‌های اجتماعی و سیاسی در دو سطح قبلی اصلاحات ساختاری برای توسعه اقتصادی بدین شرح در اولویت قرار گیرد؛ در روند مدیریتی اصلاح نظام اداری به عنوان پایه تلقی شود. در این بین، بازطراحی ساختار کلان اقتصادی کشور به گونه‌ای که وزارت اقتصاد از نقش خزانه داری و تقسیم پول خارج و به نقش جهت دهنده برای امور گوناگون اقتصادی تبدیل شود. سازمان برنامه هم در برنامه ریزی و راهبری اقتصاد کشور استفاده از نخبگان و تمامی افراد ذی نفع را در دستور کار قرار بدهد و از امور جاری خارج شود. در حوزه مالیات به عنوان یکی از بخش‌های کلیدی، اجرای طرح جامع مالیاتی و الکترونیکی شدن فرآیندهای مالیاتی برای جلوگیری از فرار مالیاتی مبنا قرار بگیرد. سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی با تسریع و کاهش فرآیندها و ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف و ارتباطات مناسب بین‌الملل گسترش یابد. استقرار و تجمیع سامانه‌های هوشمند در حوزه گمرکی برای مبارزه با قاچاق کالا که موجب افزایش و تحکیم تولید داخلی می‌شود. نظام بانکی در جهت افزایش تولید و فعالیت اقتصادی سازمان‌دهی شود.

خصوصی‌سازی با ایجاد بسترهای لازم در فضای رقابتی و شفاف به گونه‌ای که دولت بخش عمده‌ای از امور تصدی و عملیاتی را به کسانی که از اهلیت لازم برخوردارند واگذار کند و تنها به امور راهبردی و تسهیل‌گری بپردازد. پیش‌زمینه این موارد این است که نظام قانون‌گذاری کشور از تعدد و تنوع خلق قانون و مقررره بپرهیزد و قوانین در جهت تسهیل و گشایش امور تصویب شود و آن‌گاه مبنای تمام فعالیت‌ها قرار گیرد. بدیهی است ضمن تکیه بر ابزارها و محور قرار گرفتن قانون زمینه فساد هم برچیده می‌شود.

منابع

۱. آذرلی، آرمان، آرمون، آرش (۱۳۹۸)، مقایسه تأثیرات تحریم بر صنعت دفاعی با بخش اقتصادی و شناسایی راهبردهای موفقیت‌ساز صنعت دفاع، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۷(۷۵)، ۱۲۵-۱۴۴.
۲. امامی قشلاق، محسن و بی زوال، حسین (۱۴۰۰)، بررسی و تحلیل ابعاد حقوقی و مالی نقش توسعه اقتصادی و پیامدهای آن بر حکمرانی خوب، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۰(۳۵)، ۲۴۹-۲۷۱.
۳. برادران شرکاء و ملک‌الساداتی (۱۳۸۷)، تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب، مجله راهبرد، ۴(۴۹)، ۵۲-۲۷.
۴. بخششی، علی، یوسفی جویباری، محمد، نائبیان، جلیل و احدی، پرویز (۱۴۰۰)، تحلیلی بر نقش توسعه روابط بین‌الملل با محوریت حکمرانی خوب نمونه موردی: روابط بین دولت ایران و رویکرد حکمرانی خوب، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۰(۳۷)، ۳۹۹-۴۲۵.
۵. پرژیک، پترون (۱۳۹۴)، کاوشی نو در دیپلماسی اقتصادی، ترجمه علی عرب صالحی نصرآبادی، مجله اقتصادی، سال ۱۵(۳)، ۸۸-۶۳.
۶. جاسبی، جواد و نفری، ندا (۱۳۸۸)، طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم‌های باز، فصلنامه علوم مدیریت ایران، ۴(۱۶)، ۱۳۶-۱۱۱.
۷. سمیعی‌نسب، مصطفی (۱۳۹۳)، دیپلماسی اقتصادی، راهبرد مقابله با تحریم‌های اقتصادی در منظومه اقتصاد مقاومتی، فصلنامه آفاق امنیت، ۷(۲۵)، ۱۴۷-۱۱۵.
۸. صانعی، مهدی (۱۳۸۵)، حکمرانی خوب مفهومی نو در مدیریت دولتی، مجله تدبیر، ۷(۱۷۸)، ۳۳-۲۶.
۹. ضمیری، عبدالحسین (۱۳۸۸)، حکمرانی مطلوب در اندیشه امام خمینی (ره)، پایان نامه کارشناسی ارشد، مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۰. طغیانی، مهدی و درخشان، مرتضی (۱۳۹۳)، تحلیل عوامل تأثیرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر ایران و راهکارهای مقابله با آن، فصلنامه راهبرد، ۲۳(۷۳)، ۱۴۵-۱۱۵.
۱۱. عیوضی، محمدرحیم، مرزبان، نازنین و صالحی، معصومه (۱۳۹۶)، از بررسی حکمرانی خوب تا الگوی حکمرانی پایدار، فصلنامه راهبرد، ۲۶(۸۵)، ۸۵-۵۵.
۱۲. قلی‌پور، رحمت‌اله و همکاران (۱۴۰۰)، طراحی ساز و کارهای حکمرانی در شرایط تحریم، فصلنامه مدیریت منابع در نیروی انتظامی، ۹(۱)، ۹۰-۶۷.

۱۳. کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۹۸)، دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در شرایط تحریم؛ برون‌نگری در اقتصاد مقاومتی، فصلنامه آفاق امنیت، ۱۲ (۴۳)، ۷۳-۵۷.
۱۴. کریمی، محمدشریف، دورباش، معصومه وحیدریان، مریم (۱۳۹۶)، بررسی نقش و اثرات حکمرانی خوب در رشد اقتصادی ایران، اولین همایش بین‌المللی برنامه‌ریزی اقتصادی، توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای، دانشگاه کردستان، ۱۳ و ۱۴.
۱۵. میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب، تهران: بنیان توسعه، مرکز پژوهش‌های مجلس.
۱۶. میرزایی، جلال، عباس‌زاده، مهدی و صدری، صیاد (۱۳۹۳)، ابعاد و دستاوردهای دیپلماسی اقتصادی ترکیه از سال‌های ۲۰۰۳ تا ۱۳۰۱، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ۶ (۲۰)، ۱۷۷-۲۰۵.
۱۷. مهرگان، نادر، غفاری فر، محمد و کاظمی، مرتضی (۱۴۰۱)، نقش تحریم‌های اقتصادی در تجارت بین ایران و افغانستان، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۱ (۳۸)، صص ۲۸۱-۳۰۵.
۱۸. نقیبه‌مفرد، حسام (۱۳۸۹)، حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی‌شدن حقوق بشر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۱۹. یارمحمدی، جواد، اشرفی، یکتا و مسگری، سعید (۱۳۹۸)، بهبود حکمرانی در ایران با تأکید بر اقتصادی هوشمند در دوران تحریم، اولین همایش ملی حکمرانی، تهران.